

## شعر معاصر فرانسه

اشاره:

قلیم از دنبال کردن خورشید  
دست شسته بود ...  
رودخانه‌ها، سیلابها، خونی گرم فرو ریختند  
هم آن گاه پرنده در قلب سیاره‌ای می‌زیست ...

این کتاب حاصل دوستی میان شاعران است؛ دوستی میان فرهنگ‌های ایران و فرانسه، به نیت ارائه چشم‌اندازی از شعر معاصر فرانسوی به خوانندگان ایرانی، خواه به زبان فرانسوی آشنا باشند، خواه، نه! این چند سطر آغازین مقدمه محمدعلی سپانلو، مترجم و متولای برگردان آثار شاعران معاصر فرانسه به فارسی است. کتاب، سی و پنج شعر از بیست و پنج شاعر فرانسه را در بر می‌گیرد که به وسیله چند شاعر و مترجم نامدار آشنا به ادبیات فرانسه، به فارسی برگردانده شده است. به نوشته سپانلو به سبب دشواری‌هایی که در ترجمه و انتقال سبک، اندیشه و زبان برخی شاعران به فارسی وجود داشت، به ناچار شماری از نام آوران شعر معاصر فرانسه کنار گذاشته شدند. بر پیشانی آثار هر شاعر، - جز یک مورد - معرفی نوشتنی کوتاه به قلم کلود آلن، شاعر و کارشناس جریان‌های ادبی می‌درخشد. شاعران این مجموعه، در مجموع در کشور ما یا اصلاً شناخته شده نیستند و یا بسیار کم شناخته‌اند. فقر ترجمه و فقدان برگردان آثار شاعران امروز غرب، در سطح قابل قبول و تأثیرگذار، فرصت آشنایی چندانی برای طبقه شعر دوست و شعرخوان امروز ایران، با آثار بزرگان جهان غرب فراهم نکرده است. بنابراین کتاب «شعر معاصر فرانسه» می‌تواند، زمینه بسیار مساعد چنین آشنایی را به وجود بیاورد.

اهمیت این اثر، بیشتر از آنجا آشکار می‌شود که خواننده درمی‌یابد که در کنار برگردان شعر، نسخه اصلی اثر به زبان فرانسه نیز آمده است. و این، می‌تواند، بیش از هر چیز برای دانشجویان ادبیات فرانسه فرصتی و غنیمتی باشد. تردیدی نیست که در هر ترجمه شعری، بسیاری از ارزش‌های زیبایی‌شناختی زبان از دست می‌رود. اگر چه ذات و درون اثر، بی‌تغییر می‌ماند، اما این ذات زیبا، فقط در سطح زیبایی‌شناختی زبان قابل عرضه است. و از این نظر این اثر نیز می‌تواند مثل هر اثر ترجمه‌ای شعر، دستخوش چنین صدمات و آسیب‌هایی شده باشد. لیکن حضور مترجمان و شاعرانی چون رؤیایی، سپانلو، نادرپور و ... که هر چند شهرت شاعری‌شان افزون‌تر است - کم و بیش فضای اعتمادی را به وجود می‌آورد و خواننده ایرانی را مطمئن می‌سازد که آثار شعری امروز فرانسه در این کتاب با اُفت و خیزهای ترجمه‌ای کمتری به دست مخاطب می‌رسد. دست کم مخاطب می‌تواند چنین آرزویی داشته باشد. به هر روی شعر امروز فرانسه را - به طور نسبی - می‌توان در این کتاب خواند. هر چند آثار شمار اندکی از شاعران امروز فرانسه باشد، که «مشت در نمای درشت» است. آشکار است، عالی‌ترین ترجمه‌ها نیز نمی‌تواند، انتقال تمامی زیبایی‌های تصویری و زبانی، نیز قابلیت‌های اندیشه‌ای شعر را مدعی باشد. چرا که زبان که ابزار انتقال است، تغییر می‌کند و به زبانی بر می‌گردد که آشکارا از جهت ظرفیتها با زبان اصلی تفاوت‌هایی دارد. شاید به همین جهت بهتر باشد که برگردان آثار سعدی به قلم و نظر شاعران که بیش از دیگران با امکانات زبان آشنایند، انجام پذیرد. اتفاقاً که به نظر می‌رسد در برگردان کتاب حاضر روی داده است، و این را می‌توان از سطرها و مصرع‌های پرشمار، با شکوه و زیبا یافت:

قلیم از دنبال کردن خورشید،

دست شسته بود ...

رودخانه‌ها، سیلابها، خونی گرم فرو ریختند

هم آن گاه پرنده در قلب سیاره‌ای می‌زیست ...

به هر روی شعر معاصر فرانسه، شب شعری باشکوه، با حضور شاعرانی است که گاه کمتر شباهتی به یکدیگر دارند. (از «ژان پی‌یرفی» - که شعر را استیلائی توخیش بر جوهر انسانی می‌داند تا «لوران گاسپار» - که شعر را به مثابه جست‌وجویی در درون، نوعی راهیابی به کمال و شادی، تعریف می‌کند و می‌سراید:

ایستاده رو به دریا

چشم بسته، انگار از ازل، انتظار می‌کشید

که نور بالا می‌آید

همانند عصاره‌ای از ژرفایی نامعلوم

گویي فهمیده بود که نه کلمات، نه پرتوها

کافی نیستند برای خواب دیدن ... (ص 138)

از شعرهای این کتاب - اگر نه مهمتر - لیکن قابل تأمل، «شاید» معرفی - نوشته‌هایی است که به قلم و زبان «کلود آلن» در آغاز گزیده شعرهای شاعران نشسته است؛ فشرده‌ای از زندگی شاعرانه و اندیشه‌های شعری آنها، معرفی سبک هر یک، که می‌تواند به درستی دانشنامه شعر معاصر فرانسه - دست کم برای ما ایرانیان باشد.